

گفت و گو با رضا امیر خانی

«جانستان کابلستان» برای مهاجران دریچه‌ای بسوی کشورشان بود

امیر جلیلی نژاد | نویسنده جوانی که من ایش از بهترین رمان‌های بعد از انقلاب است، دستی هم بر سفرنامه نویسی دارد؛ اگر از رمان بی‌وتن که به نوعی حاصل سفرش به آمریکا است هم بگذریم، سفر به سیستان و افغانستان، دو سفرنامه‌ای است که تا کنون نگاشته؛ از این رو که در جانستان کابلستان گوشه‌هایی از ارتباط با مهاجران بازگشته از ایران به افغانستان را منعکس کرده بود، با او از تاثیر حضور ادیبان مهاجر افغان بر ادبیات فارسی و بازخور داین سفرنامه در بین مهاجران گفت و گویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید:

باز خوردهای کتاب جانستان کابلستان در بین جامعه مهاجر افغان چه بود؟

من این کتاب را برای ایرانیان جهت آشنایی با همسایه هم‌زبانان نوشتیم، نه جامعه افغانستان و نه مهاجران اما با نسلی غریب از مهاجران مواجه شدم که در ایران به دنیا آمده‌اند و در عین حال با تشطت فرهنگی امروز، مهمان ما هستند که اگر چه خود را افغانستانی می‌دانند اما هیچ وقت آنجا را ندیده‌اند، این کتاب برای آن‌ها دریچه‌ای به کشورشان بود.

این نسل مهاجر از جهاتی نگاهش شبیه به من بود یعنی ذوق زده بود از این که کشور نادیده خودش را با زبان ادبیات می‌توانست ببیند؛ تعداد مخاطبانی که از این نسل دومی‌ها داشتیم قابل ملاحظه و کثیر بود، از این جهت من معترفم که ما تقریباً هیچ کار فرهنگی برای این نسل انجام نداده‌ایم.

نه این فرصت برای آن‌ها پیش آمده تا با کشور خودشان آشنا شوند و نه در کشور ما احساس صاحب‌خانگی داشته باشند، این تشطت می‌تواند بسیار خطرناک و مشکلات جامعه شناختی فراوانی را در کشورمان سبب شود، بسیار بیشتر از مشکلاتی که نسل اول داشته‌اند. نسل دوم مهاجران به دلیل بی‌ریشه بودن در کشور میزبان و بی‌هویتی در کشور مادر می‌توانند گرفتاری‌های زیادی را برای ایران به وجود بیاورند؛ از این جهت شاید شبیه باشند به نسل دوم، سوم و چهارم آوارگان فلسطینی در کشورهای عربی.

عقلاً کشور ما بایستی نه فقط به خاطر آن‌ها که به خاطر ایران به شدت نسبت به وضعیت فرهنگی و هویتی نسل دوم مهاجران افغان هوشیار باشند.

اگر نتوانیم برای آن‌ها قوانین مهاجرتی و اقامتی به روز داشته باشیم و این بی‌هویتی را دامن بزیم، قطعاً دود این بی‌توجهی گریبان خودمان را خواهد گرفت.

ادیبان مهاجر چه واکنشی داشتند؟

تقریباً مخاطبان افغانستانی از اینکه احساس می‌کردند یک ایرانی نسبت به کشورشان دید همدلی دارد معمولاً خوشنود و خوشحال بودند؛ من هیچ باز خورد منفی از کتاب ندیدم

با توجه به زمینه مهاجرت طولانی افغانها به ایران چه تاثیرهایی بر یکدیگر داشته‌اند؟

بایستی بپذیریم که در داستان و ادبیات داستانی، ایران گام‌های موفق رو به جلویی داشته است که از این جهت ادبیات افغانستان خاصه کلاسیک‌هایشان، نتوانسته‌اند بر ادبیات فارسی تاثیرگذار باشند و متقدمین پنجاه سال اخیر آن‌ها نیز نتوانسته‌اند بر ادبیات ایران تاثیری بگذارند اما تک ستاره‌هایی مثل داستان کوتاه‌های محمد آصف سلطان‌زاده در دوره‌ای توانستند، نوعی از ادبیات متفاوت بومی را به ما نشان بدهند.

برعکس آن یعنی تاثیر ادبیات داستانی ایران بر ادبیات افغانستان می‌توان نمونه‌های زیادی را نام برد و برشمرد. می‌توانیم مطمئن باشیم شاعران افغان چه آنانی که مانند محمد کاظم کاظمی به لحاظ فرم تحت تاثیر برخی از شاعران ایرانی همچون علی معلم بودند و چه آن‌هایی که خودشان توانستند فرم‌های جدیدی را ابداع کنند مثل سیدرضا محمدی یا رفیع جنید در شعر مدرن، به لحاظ محتوا توانستند حرف‌ها و مطالب جدیدی را به شعر معاصر ایران وارد کنند.

تعامل بین ادیبان ایرانی با ادیبان مهاجر چقدر در رشد ادبیات فارسی تاثیر داشته است؟

این را در جایی نوشته‌ام که آن چه بین دو کشور قابل تجارت است، لغت است؛ از این منظر ورود اتفاقی و نه انتخابی ادیبان افغانستان به ایران سبب آشنایی ما با وجه دیگری از ادبیات شد که در آن به نظرم محمد کاظم کاظمی از پیشکسوتان به حساب می‌آید، اگر چه شاید سن زیادی نداشته باشد. یا کسانی همانند ابوطالب مظفری که توانستند در دوره‌ای، ما را با نوعی از ادبیات فارسی آشنا کنند که تا پیش از آن با آن آشنایی نداشتیم و خاصه اینکه فکر نمی‌کردیم آن قسمت از ادبیات کلاسیک بتواند در ادبیات معاصر نقش آفرین باشد.

البته نقدهای جدی به کتاب وارد بود و اشتباهاتی در آن داشتم که بسیاری آن‌ها را به من متذکر شدند.

چه کارهایی از منظر ادبیات برای جامعه مهاجر می‌توان انجام داد؟

واقعیت این است که تا همین جای کار با همین کارنامه نه چندان قطوری که ادبیات راجع به افغانستان کار کرده باید گفت که ادبیات بیشتری نقش آشناکننده با فرهنگ افغانستان را ایفا کرده‌است.

آثار ادبی در شعر، خاصه شعرهایی که خود مهاجران سروده‌اند و آثار ادبی نظیر کارهایی که جعفریان انجام داده‌است یا کارهایی که دوستان دیگر انجام داده‌اند قطعاً از سینما جلوتر است، اگر چه هزینه‌های زیادی صرف سینما شده‌است. من تقریباً هیچ فیلم سینمایی درخشانی را در این زمینه نمی‌شناسم که بین مردم به اندازه در صدی از ادبیات تاثیرگذار بوده باشد و کماکان به نظر می‌رسد که ادبیات می‌تواند مهم‌ترین پل واسطه میان ما و افغان‌ها باشد و در این امر هم‌زبانی دلیل اصلی برای پیش افتادگی ادبیات است.

ادبیات امروز ایران و افغانستان بخصوص

